

دکتر حبیب جدید الاسلامی قلعه نو*

استادیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

نسرین صفائی کشتگر**

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۰

(صص ۸۸-۶۵)

موسیقی بیرونی دیوان بیدل دهلوی

چکیده

بررسی زیباترین و شاخص ترین جلوه‌ی موسیقی شعر یعنی وزن و آهنگ آن گامی است در جهت شناخت ذهنیات و تفکرات شاعر و در این راستا پرداختن به جنبه‌های گوناگون موسیقی شعر وی ضرورت تام دارد. آهنگ و موسیقی، زیبایی و تأثیر ناشی از آن و همچنین موافقت آن با طبع زیبا پسند انسان، شرط اساسی در ماندگاری و جاودانگی شعر و شاعر دارد. بیدل از جمله شاعران بزرگ و بی بدیل سبک هندی است که به حق اُسوه و نمونه بی‌همتایی برای اسلوب هندی می‌باشد و با وجود غفلت ایرانیان در شناخت و کنکاش در شیوه کار و تفکر و دیدگاه‌های وی، تأثیر زاید الوصف خود را بر هم عصران و پیروان خود داشته است. مجمل گرد آمده بر آن دارد قدمی هر چند کوچک در شناسایی و معرفی این شاعر نازک خیال بر دارد و از میان دنیای نهفته در آثار وی به گوشه کوچکی از عالم موسیقی شعر او یعنی موسیقی بیرونی و معرفی اوزان و بحور به کار رفته در دفتر شعر بیدل پردازد.

* Email: Mantaghe14@iauzad.ac.ir

** Email: Matinmoein36@yahoo.com

نخست معرفی مختصری از بیدل دهلوی ارائه می‌شود و پس از آن به معرفی بحور و اوزان مورد استفاده بیدل پرداخته می‌شود و در خصوص بسامد کاربرد هر بحر مطالبی ارائه می‌گردد. همچنین در مورد وزن های خیزایی؛ جویباری و اوزان دوری مطالبی ذکر می‌شود و سپس به ذکر شاهد مثال برای هر یک از موارد بالا پرداخته می‌گردد.

کلید واژه ها: وزن، بحر، غزل، موسیقی.

مقدمه

شاعر بلند پایه عبدالقادر بیدل دهلوی را بی هیچ شکی می‌توان جزء بزرگترین شاعران هنرمند، نازک خیال و جلیل القدر سبک زیبای هندی دانست. وی مبدع این سبک و شیوه شعر و شاعری نیست اما می‌توان به جرأت ادعا کرد که پس از پدر سبک تازه «بابا فغانی شیرازی» در محدوده جغرافیایی هند، ماوراء النهر و آسیای میانه بخصوص در تاجیکستان، افغانستان و ایران نقشی قاطع در به کمال رساندن این اسلوب ادبی ایفا کرده است.

سبک واسلوب شعری او توسط عده‌ای بیشمار مورد تقلید قرار گرفت ولی کمتر کسی توانست صنعت شعری خود را به پایه‌ی ارج و اعتبار این شاعر نام آور برساند.

دفتر بیدل شامل غزلیات استوار و افزون بر صد هزار بیت می‌باشد که شاعر، معانی بلند و متعالی و پر مغز را در دل آن ها جای داده است. در بیت بیت غزلیاتش نشانه‌های حقیقت و دانایی و مضامین نهانی و معانی خاص و تازه موج می‌زند. وی شاعر آینه و شب‌نم و حیرت است. همین بسامد بسیار بالای واژه‌ی آینه است که موجب شد محمدرضا شفیعی کدکنی بگوید: «بیدل شاعر آینه هاست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۱۹)

دیدگاه‌های خاص فلسفی شاعر نیز با کاربرد اوزان سنگین همچون «رمل مثنی محذوف» و «هزج مثنی سالم» مطرح شده، مفاهیمی متعالی و گران همچون عشق، هستی، فطرت و آفرینش را در بر می‌گیرد.

دفتر بیدل مملو از ترکیبات تازه و نایاب همانند «سجده ریزی»، «شکست بیضه»، «قافله‌ی رنگ»، «حیرت شب‌نم»، «پرواز ناله»، «عرض تحقیق» و امثال آن است که گاهی حتی باعث رمیدن مخاطب به دلیل ترس از ابهام و عدم درک شعر شاعر می‌شود.

غیر مستقیم گویی، مضمون سازی که از خصوصیات سبکی متمایز اوست، پند و اندرز، طنز، سیاست و مسایل اجتماعی و فلسفی و تصوف از حیطه‌های مورد علاقه وی بوده است و همچنین شاهد نمونه آرایه‌هایی بی نظیر در ابهام، تشخیص، تشبیهات اغراق آمیز، تکرار قافیه، مجازهای دور و استعاره‌های ساده و مرکب در گنج باقی او هستیم.

بیدل با به کارگیری زیباترین اوزان و بحور عروضی پرکاربرد و کم کاربرد و احتراز از وزن های نامطبوع، شاهکاری در نهایت زیبایی و سحر آفریده است و تنها با موشکافی و تفحص در ترکیب اوزان و تناسب آوایی آن و استخراج بسامد و درصدهای به کارگیری این وزن ها و بحور می توان قدمی هر چند کوتاه در شناخت دریای بیکران وجود این سراینده‌ی توانا برداشت. از نظر تحقیقات قبلی در مورد بیدل و موسیقی بیرونی آثار وی پژوهشی صورت نگرفته است، به همین جهت اطلاعات چندانی در این مورد در اختیار نیست، بنابراین آنچه معروض می گردد براساس دیوان غزلیات این شاعر نازک خیال می باشد.

زندگی بیدل

شاعر چیره دست سبک هندی میرزا عبدالقادر عظیم آبادی متخلص به بیدل فرزند میرزا عبدالخالق در روزگار فرمانروای شاه جهان در سال ۱۶۴۴ در عظیم اباد پُنته متولد شد. بیدل خواندن و نوشتن فارسی را در مدرسه آموخت و در ده سالگی نخستین شعرهای خود را سرود و پس از آن تحت تأثیر تعلیمات صوفیه قرار گرفت و رگه‌های تصوف گرای و آنگاه فلسفه در شعر او حضوری مکرر و آکنده پیدا کرد. وی همواره از دربار شاهان پرهیز می کرد. بیدل به بیشتر نقاط هندوستان سفر کرد و با هندوان معاشرت داشت. مجموع آثار وی شامل غزلیات، مثنویها، رباعی، قطعه ها و مخمسهاست. میرزا عبدالقادر، در شعر به بیدل تخلص می کرد.

فارسی، زبان مادری بیدل نبوده و بعدها آن را به همراه زبان اردو و سانسکریت به تدریج آموخت. در دوران خرد سالی پدرش راز دست داد و ناگذیر با چتر حمایت و سرپرستی عمویش بالیدن گرفت. بیدل شاعری آزاده و آزادی خواه و ضد دربار بود و از لحاظ جسمی توانمندی و سلامت بالایی داشت. مذهب بیدل همانند بیشترین شاعران سبک هندی، شیعه بود.



مورخان و محققان و متقدان او را مسلمان و صوفی مسلک دانسته‌اند. او دشمن تعصب های تنگ نظرانه بود.

این شاعر بزرگ در روز پنج شنبه سوم یا چهارم صفر سال ۱۱۳۳ هجری قمری برابر با ۱۷۲۱ میلادی در روزگاری که آشفتنگی هند به کمال رسیده بود، در سن ۷۹ سالگی و در پی طبع محرقه در دهلی به دیار باقی شتافت. وی را پس از آیین مذهبی در صحن خانه خودش به خاک سپردند.

تناسب آوایی و بسامد بحور و اوزان دیوان بیدل دهلوی

گروهی می‌پندارند شعر ریشه در طبع روان شاعر دارد اما بیدل، شعر را جایگاه حشر کلمات و معانی و مفاهیم می‌انگارد. بدون شک گوهر لطیف شعر از چندین مشرب سیراب می‌شود و کاستی در هر کدام از این سرچشمه‌ها باعث نقصان در کمال شعر است، تازگی زبان، موسیقی روحبخش و جان نواز، تصویر خیال و احساس زندگی بخش و شور انگیز را می‌توان چهار آبشخور شعر دانست اما موسیقی، مانند خون در رگ‌های شعر جریان دارد که به آن گرما و زندگی می‌بخشد پس شعر بدون موسیقی مجسمه‌ای بی‌جان بیش نیست. خواجه نصیر، موسیقی شعر را در وزن می‌یابد و می‌گوید «وزن هیاتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار.» (تجلیل، ۱۳۷۸: ۲۲)

«شعر گوینده - البته شاعر واقعی را می‌گویم نه هر تقلید پیشه‌ی قافیه بند را - چیزی هست که آن را از شعر دیگران ممتاز می‌کند. چیزی که خاص اوست و آن را در کلام شاعران دیگر نمی‌توان یافت.» (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۱۶۱)

بیدل که از شاعران بی‌بدیل حوزه هنر در سبک هندی اصفهانی است در تنوع و گوناگونی اوزان شعری که در شعر دوره سبک عراقی و هندی استعمال وافر دارند دخیل است. وی از زحافات زیاد مخصوصاً در بحر رجز سود می‌برد و در دیوان خود از اوزان کم کاربرد و پر کاربرد، در شعر فارسی به زیبایی استفاده می‌کند. دیوان بیدل گنجینه‌ای از بحور و اوزان دلنشین عروضی است که گوش و دل خواننده را می‌نوازد. وی از اوزان بحر رجز به زحاف افزایشی مرفل (مفتعلاتن) و در بحر کامل به زحاف افزایشی تطویل یا مطول (متفاعلتان) توجه دارد.

اگر برای سبک هندی یا اصفهانی در شعر دو حوزه را قائل شویم، بدون شک بیدل دهلوی اسطوره‌ی حوزه هند و صائب تبریزی قهرمان حوزه اصفهان شمرده می‌شوند. اما از نظر موسیقی بیرونی، بیدل را با هیچ یک از شاعران سبک هندی و اصفهانی نمی‌توان سنجدید، گوناگونی وزن‌ها و بحرهای عروضی به ویژه زحافات افزایشی در اشعار بیدل دهلوی، وی را در حوزه موسیقی شعر ممتاز و یگانه می‌سازد.

محدود گشتن اوزان و بحور شعر فارسی در سبک عراقی در مقایسه با سبک خراسانی، شاعران و سرایندگان را بر آن داشت تا حتی المقدور از بحور و اوزان مطبوع و مرغوب عروضی بهره برند، یعنی از میان حدود ۲۶۰ وزن عروضی فارسی در این دوره، تعداد اوزان مورد استفاده، از سی وزن تجاوز نمی‌کند. در ادامه‌ی تحول شعر در دوره تیموری و مکتب وقوع و پس از آن، سبک هندی اصفهانی، انحصار کاربرد وزنهای شعری محدود به چند بحر و وزن عوام پستانده می‌شد. در این میان بیدل با وجود آنکه از بحور نامطبوع استفاده نمی‌کند ولی تنوع و گوناگونی را در بحور و اوزان مرغوب، دوباره به عرصه ظهور وارد می‌کند و این در برهه‌ای از زمان اتفاق می‌افتد که این اوزان مورد بی‌توجهی دیگر شاعران قرار گرفته و در حال منسوخ شدن است. بحوری که بیدل در دیوان خویش مورد کاربرد قرار می‌دهد به ترتیب بسامد عبارتند از: ۱- رمل ۲- هزج ۳- مضارع ۴- میجت ۵- رجز ۶- کامل ۷- مقارب ۸- خفیف ۹- منسرح ۱۰- مقتضب ۱۱- سریع. با بررسی دقیق اوزان دیوان غزلیات بیدل و توجه به ارکان به کار رفته در وزنهای، در می‌یابیم که ارکانی چون «فاعلاتن»، «مفاعیلن»، «مفعول»، «فاعلن» و فعلون که در آن نسبت هجاهای بلند بیشتر از هجاهای کوتاه می‌باشد، در مقایسه با ارکان دیگر از بسامد بیشتری برخوردار است، البته می‌دانیم که ارکان دارای هجاهای بلند این توانایی و امکان را به شاعر می‌دهد که معانی و مفاهیم بلند و سنگین را در شعر خود بگنجانند. «وزن هر شعر باید رابطه‌ای دقیق و معقول با محتوای آن داشته باشد.» (زمانیان، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

در دیوان بیدل دهلوی که شامل ۲۸۵۹ غزل می‌باشد، ۳۷ وزن عروضی در ۱۱ بحر مورد استفاده سراینده قرار گرفته است که از این میان ۲۸ وزن در ۲۷۲۷ مورد غزل با ارکان هشت تایی (مثنی)، ۹۵/۳۸ درصد اوزان کل دیوان و ۹ وزن در ۱۲۶ مورد غزل با رکن‌های شش تایی (مسدس)، ۴/۴۰ درصد وزنهای دفتر بیدل و تعداد ۱ وزن در ۶ مورد غزل با رکن‌های چهارتایی (مربع)، ۰/۲۰ درصد کل اوزان دیوان بیدل را در بر می‌گیرد.

پرکاربردترین بحر مورد استفاده بیدل در دیوان غزلیاتش بحر رمل و پس از آن بحر هزج در مکان دوم اوزان پر بسامد در شاهکار بیدل می‌باشد و این امر خود نشانگر علاقه و توجه ویژه شاعر به اوزان جویباری است. دکتر شفیع کدکنی در کتاب ارزشمند «موسیقی شعر» در مورد انواع اوزان بیان می‌دارد: «اوزان خیزایی، وزنهای تند و متحرکی هستند که اغلب نظام ایقاعی

افاعیل عروضی در آن‌ها به گونه‌ای است که در مقاطع خاصی نوعی نیاز به تکرار را در ذهن شنونده ایجاد می‌کند و غالباً از رکن‌های سالم یا مزاحفی تشکیل شده که حالت «ترجیح» و «دور» در آن‌ها محسوس است. اوزان جویباری، از ترکیب نظام ایقاعی خاصی حاصل می‌شود که با همه زلالی، زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آن‌ها احساس نمی‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۹۳ و ۳۹۵)

در بین ۳۷ وزن مورد استفاده در دیوان بیدل دهلوی ۲۳ وزن جزء اوزان جویباری و تنها ۱۴ وزن در دسته‌ی وزنهای خیزابی جای می‌گیرند. بنابراین با توجه به استنباط دکتر شفیع کدکنی مبنی بر ملایم بودن اوزان جویباری مشخص است که در دیوان بیدل کاربرد وزنهای جویباری و ملایم غالب است.

بحور و اوزان در دیوان بیدل

بحر رمل

«در لغت به معنی باران کم و حصیر بافتن است» (عقداپی، ۱۳۷۹: ۶۴) و این بحر را بدان جهت رمل گفته‌اند که گویی ارکان آن در هم بافته شده است و دو سبب در میان دو وتد است (تجلیل، ۱۳۸۴: ۲۸) و در علم عروض بحری است که «اجزاء آن از تکرار فاعلاتن است». (قیس رازی، ۱۳۶۰، ۹۹) از آنجا که رکن این بحر (فاعلاتن) دارای سه هجای بلند یک هجای کوتاه است، دارای آهنگی ملایم و ریتمی آرام بخش می‌باشد و با مضامینی بلند، سنگین و موقر مناسبت دارد. این بحر دارای چهارده زحاف است که از این میان، زحاف «کف، خبن، شکل، قصر، حذف» بیشترین استعمال را دارند.

بحر رمل پرکاربردترین و مأنوس‌ترین بحر در دیوان بیدل دهلوی می‌باشد که بسامد تکرار آن بیش از یک سوم کل غزل‌های دیوان را در بر می‌گیرد و با تعداد ۱۰۶۰ غزل ۳۷/۰۷ درصد اوزان دفتر بیدل به این بحر و متفرعات آن تعلق دارد.

۱- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مضمن محذوف) این وزن سومین وزن پرکاربرد شعر فارسی و در میان اوزان بحر رمل بیشترین کاربرد را دارد و با ۷۹۲ غزل، ۷۴/۷۱ درصد بحر رمل و ۲۷/۷۰ درصد کل اوزان را داراست.

گر خیال گردش چشم توام رهبر شود چون قدح هر نقش پایم عالم دیگر شود
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۶۱۹)

۲- فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن (بحر رمل مثنیٰ مخبون اصلم) وزنی آرام و جویباری است که با ۱۲۶ غزل حدود ۱۱/۸۸ درصد اوزان بحر رمل و ۴/۴۰ درصد کل دیوان را به خود اختصاص داده است.

یاد ابروی کجی زد به دل ما ناخن موج شد بهر جگر کاوی دریا ناخن
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۸۶)

۳- فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعَلُن (بحر رمل مثنیٰ مخبون محذوف) که جزء اوزان سنگین و جویباری است و چهارمین وزن پرکاربرد در میان اوزان زبان فارسی است. در دیوان بیدل با تعداد ۸۱ غزل ۷/۶۴ درصد کاربرد را در وزن های بحر رمل و ۲/۸۳ درصد را از کلیه اوزان دفتر بیدل دارد. نه نفس تربیتم کرد و نه دامان مددی آتشم خاک شد ای سوخته جانان مددی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۹۶)

۴- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدس محذوف) وزنی است نرم و جویباری که بیدل برای بیان مضامینی همچون پند و حکمت و عرفان از آن سود برده است. میزان کاربرد این وزن با ۲۹ غزل، ۲/۷۳ درصد میزان وزن های رمل و ۱/۰۱ درصد بسامد همه وزن ها را در دفتر بیدل را شامل شده است و جزء اوزان کم کاربرد در دیوان بیدل است.

سر خوش آن نرگس مستانه ایم ما گدایان در میخانه ایم
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۹۴)

۵- فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن (بحر رمل مثنیٰ مشکول) وزنی دوری و شاد و خیزابی است با ۱۳ غزل به میزان ۱/۲۲ درصد وزن های بحر رمل و در مقابل ۰/۴۵ درصد کل اوزان دیوان از آن استفاده شده است و وزنی کم کاربرد در دفتر بیدل به شمار می رود.

به نموسری ندارد گل باغ کبریایی ندیده ای به رنگی که بگویمت کجایی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۳۹)

۶- فعلاتن فعلاتن فع لن (بحر رمل مسدس مخبون اصلم) که جزء اوزان ضربی و شاد خیزایی است و در دیوان بیدل با ۹ غزل ۰/۸۴ درصد کاربرد را در میان اوزان بحر رمل، در مقابل با ۰/۳۱ درصد از تمامی وزنهای دیوان، وزنی کم کاربرد است.

نه عبادت نه ریاضت کردم باده ها خوردم و عشرت کردم
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۹۹۳)

۷- فعلاتن فعلاتن فعَلَن (بحر رمل مسدس مخبون محذوف) وزنی شاد و خیزایی که با ۷ غزل و ۰/۶۶ درصد در بحر رمل و ۰/۲۴ درصد از تمامی اوزان به کار رفته در دیوان بیدل را تشکیل می‌دهد و از اوزان کم کاربرد به حساب می‌آید.

تا لبش در نظرم می گذرد آب گشتن ز سرم میگذرد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۴۶۷)

همچو آینه تحیر سفرم صاحب خانه ام و در بدرم
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۰۰)

۸- فعلاتن فعلاتن فعلاتن (بحر رمل مثنی مخبون)، آخرین وزن مورد استفاده بیدل از بحر رمل می‌باشد که شاعر طبع خود را با سرودن ۳ غزل در این وزن آزموده و ۰/۲۸ درصد اوزان این بحر و همچنین ۰/۱۰ درصد از میزان کاربرد در دیوان را در برمی‌گیرد و کم کاربردترین وزن این بحر در دیوان است.

درگرفته است زمین تا به فلک بی سروپایی ای حیانشه ی مباداتوبه این رنگ برآیی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۶۰)

بحر هزج

هزج آوازی را گویند که با تر نمی‌باشد و «بیشتر آوازاها و سرودهای اعراب در این بحر است» (شاه حسینی، ۱۳۸۰: ۶۶) پس این اسم از جهت نیکویی بحر بر آن نهاده اند.

و اما در فن عروض بحری است که از تکرار مفاعیلن حاصل می شود و «اکثر آوازاها و سرودهای خوش اعراب در این بحر است» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۳۵)

«این بحر دومین مقام را در میان بحور مورد استفاده در دیوان بیدل دارد و دارای پانزده زحاف است که از میان آنها» قبض، خرب، کف، قصر و بتر» بیش از دیگر زحافات کاربرد دارند.

بحر هزج با تعداد ۷۹۶ غزل به میزان ۲۷/۸۴ درصد کل اوزان دیوان را شامل می شود و در عین حال از بحور پر کاربرد در دیوان بیدل است.

۱- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مثنی سالم) بحری است نرم و سنگین که جزء اوزان دلنشین و شیرین و متناسب با مضامین آرام بخش می باشد. در ضمن ششمین وزن پر کاربرد شعر فارسی است که با ۴۸۸ غزل ۶۱/۳۰ درصد کاربرد را در میان اوزان بحر هزج و ۱۷/۰۶ درصد کل اوزان را داراست و یکی از پر کاربردترین اوزان دیوان بیدل می باشد.

شبی سیر خیال نقش پای دلر با کردم
گریبان را پر از کیفیت برگ حنا کردم
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۹۴۸)

۲- مفعول مفاعیل و مفاعیل فَعولن (بحر هزج مثنی اخرب مکفوف محذوف) که هفتمین بحر پر کاربرد زبان فارسی است و جزء اوزان جویباری محسوب شده ولی در دیوان بیدل با ۲۵۸ غزل، ۳۲/۴۱ درصد دومین وزن مورد توجه بیدل در میان اوزان بحر هزج و ۹/۰۲ درصد در مقایسه با کل دیوان می باشد و جزء اوزان پر کاربرد در دیوان وی به شمار می رود.

تمثال خیالیم چه زشتی چه نکویی
ای آینه بر ما نتوان بست دورویی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۴۵)

۳- مفاعیلن مفاعیلن فَعولن (بحر هزج مسدس محذوف) که وزنی جویباری، دلنشین و آرام است که «مناسب مضامین عاشقانه است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۸۴) هشتمین وزن پر کاربرد شعر فارسی می باشد و بیدل با کاربرد آن برای ۲۸ غزل خود ۳/۵۱ درصد اوزان بحر هزج و ۰/۹۷ درصد از دفتر خود رابه این وزن زیبا اختصاص داده است در دیوان بیدل جزء اوزان کم کاربرد است.

عدم زین بیش برهانی ندارد
وجوب است آنچه امکائی ندارد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۵۹۴)

۴- مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (بحر هزج مثنیٰ اخرب) که در دسته اوزان دوری و خیزابی جای دارد با ۱۵ غزل ۱/۸۸ درصد کاربرد اوزان بحر هزج و ۰/۵۲ درصد بسامد وزن های دیوان را داراست که این وزن را در رده‌ی وزن های کم کاربرد قرار می‌دهد.

لعل لب او یک دم بر حالم اگر خندد تا حشر غبار من بر آب گهر خندد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۶۳۲)

۵- مفعول مفاعیلن فاعلن (بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف) وزنی شاد و خیزابی که بیدل مضامینی همچون عشق و شور و گاهی حکمت را در این وزن مطرح کرده است. شاهد حضور این وزن در ۷ غزل که ۰/۸۷ درصد اوزان بحر هزج و ۰/۲۴ درصد کاربرد کل اوزان دیوان است هستیم و این نتیجه نشانگر کم کاربرد بودن این وزن در میان اوزان دیوان بیدل است.

وقتیبست کنیم گریه با هم ای شمع شبست روز ما هم
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۹۹۸)

بحر مضارع

«مضارعت در لغت به معنی مشابهت است» (تجلیل، ۱۳۷۸: ۳۰) بوده و از بحور مختلف الارکان می‌باشد. این بحر سومین مقام را در میان بحور به کار رفته در دیوان بیدل دهلوی در اختیار دارد که از ترکیب دو رکن «مفاعیلن و فاعلاتن» ساخته می‌شود. این بحر با ۴۰۵ غزل در دو وزن پر کاربرد و زیبا، ۱۴/۱۶ درصد کل اوزان دیوان بیدل را به خود اختصاص داده است. این بحر جزء بحور پر کاربرد در دفتر غزل های بیدل دهلوی شمرده می‌شود.

۱- مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن (بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف) که وزنی نرم و سنگین و جویباری است و در دیوان بیدل حامل پند و اندرز در مورد دامگه دنیا و جریان روزگار است که شاعر بیان می‌کند. این وزن زیبا با تعداد ۳۰۸ غزل ۷۶/۰۴ درصد کاربرد اوزان را در سومین بحر مورد توجه بیدل یعنی بحر مضارع و ۱۰/۷۷ درصد کل غزلیات را دارا می‌باشد و جزء اوزان پر کاربرد در دفتر شعر بیدل به شمار می‌رود.

ای التفات نام تو گیرایی زبان ذکرت آنیس خلوت تنهایی زبان
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۱۵)

۲- مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (بحر مضارع مثنیٰ اخرب) که از اوزان دوری است که «قست اعظم زایایی عروض فارسی را به عهده دارد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۰) این وزن طبق دسته بندی دکتر شفیع کدکنی جزء اوزان خیزایی و وزنی شاد و ضربی می‌باشد و تحرک و نشاط در هنگام خواندن این وزن گوش نواز و مطبوع به خوبی می‌توان احساس کرد. این وزن در دفتر بیدل سهمی به اندازه ۹۷ غزل دارد که ۲۳/۹۵ درصد اوزان بحر مضارع و ۳/۳۹ درصد تمامی اوزان دیوان را شامل می‌شود.

گل‌های آن تبسم باغ فلک ندارد صد صبح اگر بخندد یک لب نمک ندارد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۶۲۷)

بحر مجتث

بحری است که دارای اوزان بسیار دلنشین و مطبوع می‌باشد و شیخ شیراز غزل‌های فراوانی را در این بحر و اوزان آن سروده است این بحر از ترکیب و آمیزش دو رکن «مستعلن و فاعلاتن» به وجود می‌آید و با بسامد ۳۳۱ مورد غزل، ۱۱/۵۷ درصد غزلیات دفتر بیدل را شامل می‌شود. بحر مجتث جزء محور پرکاربرد در دیوان بیدل دهلوی به شمار می‌رود.

۱- مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فع لن (بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم) که «مفاعِلن»، «مخبون» از مستعلن و «فاعلاتن»، «مخبون» از فاعلاتن است و همچنین «فع لن»، «اصلم» از فاعلاتن است که باقی ماندن دو هجای بلند از فاعلاتن را گویند، معنای لغوی آن گوشه را از بیخ و بُن بریدن می‌باشد. این وزن زیبا و جویباری دارای ۱۶۱ مورد غزل و به میزان ۴۸/۶۴ درصد بحر مجتث و همچنین ۵/۶۱ درصد کلیه وزن‌های مورد استفاده در دیوان بیدل است می‌توان این وزن را جزء اوزان نسبتاً پرکاربرد شمرد.

ز خویش رفته ام اما نرفته ام جایی غبار راه توام تا کی ام زنی پایایی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۶۷)

۲- مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلن (بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف)، پرکاربردترین وزن، در میان اوزان شعر فارسی و وزنی نرم و سنگین و جویباری است با ۱۰۴ غزل، ۳۱/۴۱ درصد بحر مجتث و ۳/۶۳ درصد کلیه وزن‌ها در دفتر بیدل را تشکیل می‌دهد.

چو من به دامگه عبرت اوفتاده کمی قفس شکسته‌ی بی بال دانه در عدمی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۴۹)

۳- مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعلاَتِن (بحر مجتث مَثَمَن مَخْبُون) جزءِ اوزانِ دوری و خِزایی است و بیدل طبع خود را با ۶۶ غزل در دفتر خود آزموده و جمعاً ۱۹/۹۳ درصد کاربرد بحر مجتث و ۲/۳۰ درصد اوزان دیوان را در اختیار دارد. و جزءِ اوزان کم کاربرد به حساب می‌آید. دلت فسرد جنونی کز آشیانه بر آیی چو ناله دامن صحرا به کف زخانه بر آیی
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۶۲)

بحر رجز

این بحر را از آن جهت «رجز» نامیده اند که «در لغت به مفهوم اضطراب و سرعت است»
(مددی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

«ارکان این بحر دو سبب خفیف است و بعد از هر حرکت سکونی، پس به این مناسبت این بحر را رجز گویند.» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۴۲)

«بحر رجز بحری است که به مناسبت پذیرش مضمونهای علمی و فنی مورد استقبال دانشمندان قرار گرفته و دانش‌هایی همچون نحو، فقه و منطق در این بحر به رشته نظم کشیده‌اند، شایسته است دانشور بحور نامیده شود.» (خواجه نصیر، ۱۳۶۹: ۱۳) بحر رجز از پرکاربردترین بحور شعر فارسی است که دارای اوزان مطبوع و زحافات بسیار می‌باشد که در دیوان بیدل بیشترین تنوع زحاف را دارد. بیدل در سرایش غزل‌های خود به زحافات کاهشی افزایشی این بحر علاقه وافر نشان داده که این خود یکی از شگفتیهای شعر دفتر بیدل محسوب می‌شود. این بحر با بسامد ۷۴ غزل و ۲/۵۸ درصد کل اوزان، مقام پنجم بحور را در دفتر بیدل دارد و در میان بحور دیوان می‌توان آن را نسبتاً کم کاربرد شمرد.

۱- مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن (بحر رجز مَثَمَن مَطْوِی مَخْبُون)، وزنی شاد و دوری است و بیدل مضامین، پرجذبه و شور انگیز را در این وزن خیزایی مطرح می‌کند. وزن مورد نظر با تعداد ۲۵ غزل و ۳۳/۷۸ درصد بیشترین تعداد غزلها را در بحر رجز و درصد را ۰/۸۷ در برابر همه اوزان این دیوان دارد.

فرصت ناز و کرّ و فرّ ضامن کس نمی شود باد و بروت خودسری مدّ نفس نمی شود

(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۶۰۵)

۲- مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن (بحر رجز مثنیّه مخبون مرفّل) که جزء اوزان کم کاربرد، باوقار و جویباری در دیوان می باشد، که بیدل ۲۴ غزل یعنی ۳۲/۴۳ درصد اوزان بحر رجز و ۰/۸۳ درصد کلیه وزن های به کار گرفته در دفترش را به این وزن اختصاص داده است.

غباری‌آسم به هرطپیدن هزار بیداد می نگارم به سرمه فرسودخامه‌اما هنوز فریاد می نگارم (غزل ۲۲۹۷ ص ۹۶۲)

۳- مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مثنیّه سالم) یکی از اوزان نرم و با وقار است که ۱۱ غزل با ۱۴/۸۶ درصد اوزان این بحر و ۰/۳۸ درصد از وزن های مورد استفاده در دیوان را به خود اختصاص داده است. و وزنی کم کاربرد در دیوان می باشد.

محوجنون ساکنم شور بیابان در بغل چون چشم خوبان خفته ام ناز غزالان در بغل (بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۸۱۸)

۴- مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن (بحر رجز مثنیّه مطوی) جزء اوزان شاد و پر کاربرد زبان فارسی است و با تعداد ۷ غزل، ۹/۴۵ درصد وزن های بحر رجز و در مقابل ۰/۲۴ درصد کلیه اوزان به کار رفته در دفتر بیدل را شامل می شود که آن را در صف اوزان کم کاربرد قرار می دهد.

مزدتلاشم به رخت دیده ندارد گه‌ری آبله ای کوکه نهم درقدم خویش سری

(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۸۷)

۵- مستفعلاتن مستفعلاتن (بحر رجز مربع مرفّل) که «جزء اوزان نسبتاً پر کاربرد در شعر فارسی است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۷) و در عین حال سنگین و جویباری است و تعداد ۶ غزل که ۸/۱۰ درصد اوزان بحر رجز و ۲۰٪ درصد از تمامی وزن ها در دفتر بیدل را دارد. این وزن را می توان به صورت «فع لن فعولن فع لن فعولن» (بحر متقارب مثنیّه اثلّم) نیز تقطیع کرد. این وزن از کم کاربردترین اوزان در میان وزن های دیوان می باشد.

بیگانه و ضعیم یا آشنا میم ما نیستیم اوست او نیست میم

(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۸۶۹)

۶- مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن (بحر رجز مثنی مطوی مُرْقَل) وزنی کم کاربرد در بحر رجز است و تنها با ۱ غزل و ۱/۳۵ درصد، مقام آخر را در میان اوزان این بحر و ۰/۰۳ درصد کاربرد را در شاهکار بیدل دارد و کم کاربردترین اوزان دفتر اوست.

دوری بزم در غم و شادی گر کند این می قسمت جامم

صبح نخندد بر رخ روزم شمع نگردید بر سرشامم

(غزل ۲۱۹۴ ص ۹۱۹)

بحر کامل

این بحر یکی از بحور مورد استفاده شاعران عرب می باشد و از تکرار رکن متفاعلن ساخته می شود. در زبان فارسی کمتر شاعری در این بحر طبع آزمایی کرده است اما بیدل از جمله نادر سرایندگان است که خلاقیت و تجرّ و استادی خود را در به کارگیری این بحر نشان داده است. بیدل علاوه بر وزن سالم آن (متفاعلن)، قدرت و هنر خود را در به کارگیری زحاف بسیار نادر آن (متفاعلتان = تطویل یا مطّول) کاملاً به نمایش گذاشته است. این بحر جمعاً با ۶۰ غزل، ۲/۰۹ درصد کل وزنهای دیوان بیدل را در اختیار دارد و جزء بحور کم کاربرد می باشد.

۱- متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن (بحر کامل مثنی سالم) از اوزان نادر در شعر فارسی می باشد و بیشتر در عروض عرب متداول است و در دیوان بیدل حضور خود را با ۵۶ غزل و ۹۳/۳۳ درصد، در میان دو وزن کم کاربرد مورد استفاده بیدل در این بحر و ۱/۹۵ درصد از کلیه اوزان به کار رفته در دیوان شامل می شود.

کم و بیش وهم تعیبت سرو برگ نقص و کمال شد

مه نودمید و به بدر زد بگداخت بدروهلال شد

(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۶۲۸)

۲- متفاعلتان متفاعلتان متفاعلتان متفاعلتان (بحر کامل مثنی مطّول) که از زحافات افزایشی بسیار نادر در بحر کامل می باشد و با ۴ غزل و ۶/۶۶ درصد کمترین حضور در بحر رجز و با ۰/۱۳ درصد در مقایسه با کل اوزان دیوان سهم اندکی را داراست و جزء کم کاربردترین اوزان دفتر غزلیات بیدل می باشد.

چه بود سرو و کار غلط سبقان در علم و عمل به فسانه زدن

زغورور دلایل بسی خردی همه تیر خطا به نشانه زدن

(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۴۰)

بحر خفیف

«خفیف را به سبب خَفْت وزن، خفیف نام کرده‌اند.» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۵۰) «در لغت به معنای، سبک و چابک در حرکت و عمل است» (مددی، ۱۳۸۵: ۱۱۷) و در اصطلاح بحری است که از ترکیب و آمیزش ارکان «فاعلاتن» و «مستفعلن» به وجود می‌آید. شکل سالم این بحر در زبان فارسی کاربرد ندارد و یک وزن از بحر خفیف با اختلافی اندک در رکن پایانی در شعر فارسی رایج است. اما بیدل با ذهن خلاق و مهارت استادانه خود در وزن بسیار نادر (فاعلاتن مفاعلن مفاعلاتن مفاعلن = خفیف مثنیّه مخبون) هنرنمایی کرده است. (لازم به ذکر است که در بحر خفیف گاهی یک مستفعلن دیگر به سه رکن رایج در بحر خفیف افزوده می‌شود که در این حالت این بحر دقیقاً عکس بحر مجتث می‌شود. بسامد کاربرد این بحر در دفتر بیدل شامل تعداد ۴۳ غزل می‌باشد که تنها ۱/۵۰ درصد کل اوزان دیوان وی می‌باشد. این بحر را می‌بایست جزء بحور کم کاربرد در دیوان بیدل شمرد.

۱- فاعلاتن مفاعلن فَعْلُن (بحر خفیف مسدس مخبون محذوف) وزنی خیزایی و پنجمین وزن پر کاربرد شعر فارسی به حساب می‌آید. حضور این وزن با ۲۶ مورد غزل ۶۰/۴۶ درصد اوزان بحر خفیف و در میان وزن های دیوان ۰/۹۰ درصد را در بر می‌گیرد و در دیوان جزء اوزان کم کاربرد است. نه تعین نه ناز می رسدم تا جبین یک نیاز می رسدم (بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۹۹۱)

۲- فاعلاتن مفاعلن فع لن (بحر خفیف مسدس مخبون اصلم) که بیدل مضامینی از عرفان و حکمت را با این وزن بیان کرده است و ۱۵ غزل که ۳۴/۸۸ درصد اوزان بحر خفیف و ۰/۵۲ درصد از اوزان استفاده شده در دیوان بیدل می‌باشد و جزء اوزان کم کاربرد محسوب می‌شود. چشمش افکنده طرح بیدادم سرمه کو تا رسد به فریادم (بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۸۸۱)

۳- فعلاتن مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن (بحر خفیف مِثمن مخبون) که با افزوده شدن یک مستفعلن به سه رکن اصلی بحر خفیف، این وزن به وجود می‌آید و به غیر از بیدل شاعران بزرگ دیگری همچون مولوی نیز در این وزن سرایش کرده‌اند، اما بیدل تنها با ۲ غزل که ۴/۶۵ درصد وزن های بحر خفیف و ۰/۰۶ درصد از بسامد تمامی وزن ها در دیوان اوست، کمترین میزان کاربرد را در این وزن داشته است.

به تماشای این چمن در مژگان واز کن زخمستان عافیت قدحی گیرو ناز کن
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۱۹)

بحر متقارب

مقارب در لغت به معنی «نزدیک شونده» است و در اصطلاح عروض نام یکی از بحور متحدالارکان است که از تکرار رکن «فعولن» حاصل می‌شود. این بحر که از گذشته تا به امروز سرچشمه‌ی اوزان مثنویهای معروف حماسی و رزمی در عرصه شعر فارسی بوده است، یکی از معروف ترین و کارآمدترین اوزان شعر فارسی است اما در اعصار گذشته کمتر برای غزل مورد استفاده قرار گرفته است، اما بیدل با به کارگیری این وزن در دیوان غزلیات خود دست به نوآوری زده است. سهم بحر مقارب در دفتر این شاعر ۳۵ غزل می‌باشد که ۱/۲۲ درصد کل اوزان دیوان اوست و جزء بحور کم کاربرد در دیوان به شمار می‌رود.

۱- فعولن فعولن فعولن فعولن (بحر مقارب مِثمن سالم) وزنی است پر کاربرد در شعر فارسی و با تعداد ۲۳ غزل و ۶۵/۷۱ درصد بیشترین سهم را در میان دو وزن مربوط به بحر مقارب و ۰/۸۰ درصد را به نسبت کلیه اوزان در دیوان بیدل دارد. شاعر از این وزن برای مطرح کردن مسایل اجتماعی و گاه حتی حکمت و فلسفه نیز سود برده است ولی در مقایسه با سایر بحور و اوزان بیدل کم کاربرد می‌باشد.

بر آرد گرم آتش دل زبانه شود گرد بال سمنندر زمانه
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۰۴)

۲- فعولن فعولن فعولن فعولن (بحر مقارب مِثمن محذوف) که وزنی مناسب مضامین حماسی، رزمی و مفاخره می‌باشد، البته در گلستان سعدی این بحر برای بیان پند و اندرز مورد استفاده قرار

گرفته است و در دیوان بیدل شاهد حضور ۱۲ غزل می‌باشیم که ۳۴/۲۸ درصد کاربرد این بحر و ۰/۴۱ درصد از تمامی وزن‌ها در این دفتر و وزنی کم کاربرد است.

ز تخمت چه نشو و نما می دمد که چون آبله زیر پا می دمد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۵۵۷)

بحر منسرح

منسرح در لغت به معنای حیوان تند دهنده است و در فن عروض به بحری اطلاق می‌گردد که از تناوب دو رکن «مستعلن و مفعولات» حاصل می‌شود بنابراین زحافات این بحر از دو رکن فوق منشعب می‌شود.

این بحر در دیوان بیدل با ۳۳ غزل، ۱/۱۹ درصد کل اوزان در دیوان بیدل رابه خود اختصاص داده است و جزء بحور کم کاربرد در دفتر بیدل است.

۱- مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف) که جزء اوزان شاد و ضربی و پرکاربرد در شعر فارسی محسوب می‌شود و بیدل از آن برای مطرح کردن مضامینی همچون پند و اندرز و عشق و هستی سود برده است. و با ۲۷ غزل که ۸۱/۸۱ درصد بسامد بحر منسرح را و ۰/۹۴ درصد از بسامد کلیه اوزان در این دفتر شامل شده، به زیبایی حضور دارد و از اوزان کم کاربرد به حساب می‌آید.

چیست درین فتنه زار غیر ستم در بغل یک نفس و صد هزار تیغ دو دم در بغل
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۸۱۲)

۲- مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (منسرح مثنی مطوی منحور) که از اوزان پرکاربرد شعر فارسی در این بحر شمرده می‌شود، و در دفتر شعری شاعر گرانمایه تنها با ۶ غزل، ۱۸/۱۸ درصد اوزان این بحر و ۰/۲۰ درصد از تمامی اوزان به کار رفته در این دیوان را تشکیل می‌دهد و از کم کاربردترین وزن‌ها در میان اوزان به کار رفته توسط بیدل است.

رنگ حنا در کفم بهار ندارد آینه ام عکس اعتبار ندارد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۵۴۹)

بحر مقتضب

معنای لغوی مقتضب «بریده شده» است ولی در علم عروض بحری است که از دو رکن «مفعولات و مستفعلن» به وجود آمده است. بیدل این بحر را صرفاً برای تفنن و آزمودن خویش مورد استفاده قرار می‌دهد ولی با این وجود، اشعاری در غایت لطافت و زیبایی به یادگار می‌گذارد. تعداد ۱۷ غزل دارد که ۰/۵۹ درصد اوزان این بحر در مقایسه با کل اوزان دیوان می‌باشد. این بحر را می‌توان جزء بحور کم کاربرد در دیوان بیدل دانست.

۱- فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن (بحر مقتضب مثنی مطوی مقطوع) وزنی شاد و خیزابی است و از دسته اوزان دوری محسوب می‌گردد. بیدل ۱۳ غزل را در این وزن سروده که ۷۶/۴۷ درصد کاربرد بحر مقتضب و ۰/۴۵ درصد در مقایسه با کلیه اوزان به کار رفته در دیوان وی می‌باشد و البته از وزن های کم کاربرد در میان اوزان دیوان است.

گر به خون مشتاقان تیغ او کشد گردن تا قیامت از سرها جای مو دمد گردن
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۷۱)

۲- فاعلات مفتعلن فاعلات مفتعلن (بحر مقتضب مثنی مطوی) که از اوزان نسبتاً پر کاربرد شعر فارسی می‌باشد و در دسته وزن های خیزابی جای می‌گیرد، این وزن با ۳ مورد غزل میزان ۱۷/۶۴ درصد بسامد این بحر و ۰/۱۰ درصد از همه وزن ها را در دفتر بیدل به خود اختصاص داده است که جزء کم کاربردترین بحور دیوان است.

جهدکن که دل ز هوس پایمال شک نشود این کتاب علم یقین نقطه ایست حک نشود
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۴۹۵)

۳- فاعلات مفتعلن فاعلات فاعلن (بحر مقتضب مثنی مطوی مرفوع) که جزء وزن های خیزابی اما کم کاربرد و استثنایی شعر فارسی و دیوان بیدل می‌باشد و تنها در ۱ غزل از این وزن استفاده شده است که در مقایسه با سایر اوزان بحر مقتضب در دیوان این شاعر تنها ۵/۸۸ درصد و در برابر کل دیوان ۰/۰۳ درصد را شامل می‌شود.

راز عجز ما ندهد سعی هیچ مشغله دست رنج کس نشود مزد پای آبله
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۱۱۰)

بحر سریع

«سریع در لغت به معنای «تند رونده و شتابنده» است» (مددی، ۱۳۸۵: ۱۳۰) ولی در علم عروض بحری است که از ترکیب «مستفعلن مستفعلن مفعولات» حاصل می‌شود. از این بحر نیز در شعر فارسی تنها یک وزن به فراوانی به کار رفته است. بیدل این بحر را با به کارگیری در ۵ غزل به میزان ۰/۱۷ درصد از کل اوزان دیوانش مورد استفاده قرار داده است.

۱- مفتعلن مفتعلن فاعلن (سریع مسدس مطوی مکشوف) که وزنی تند، ضربی و خیزایی است و در دیوان بیدل با ۵ غزل جزء کم کاربردترین بحور و اوزان در دفتر غزلیات این شاعر می‌باشد.

پیریم آخر می و پیمانہ برد باد سحر شمع ز کاشانہ برد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۴۵۴)

نوعی وزن دیگر که توسط بیدل مورد استفاده قرار گرفته، اوزان دوری است که از خوش آهنگ ترین و زیبا ترین اوزان شعر فارسی بوده و اختصاصات آن عبارتند از: ۱- بعد از هر پاره در یک مصراع وقفه یا مکتی بالقوه یا بالفعل وجود دارد ۲- وزن دوری از ارکان متناوب تشکیل شده ۳- هجاهای پایانی نیم مصراع اول مانند هجاهای پایانی مصراع‌ها همیشه بلند است، اما شاعر می‌تواند هجای کشیده یا کوتاه بیاورد ۴- هجاهای هر مصراع اعم از کوتاه یا بلند، زوج است و معمولاً هر نیم مصراع پنج یا هفت هجا دارد.

اهمیت «وزن های دوری» از این نظر است که وسط مصراع، حکم پایان مصراع را پیدا می‌کند، پس می‌توان در میان مصراع قافیه ساخت، مکث کرد و یا یک یا دو صامت اضافه بر وزن مصراع یا بیت آورد. علاوه بر جنبه‌ی مهم فوق، قابل توجه است که «اوزان دوری علاوه بر زیبایی و آهنگ خوش، قسمت اعظم زبایی عروض فارسی را تشکیل می‌دهند» زیرا شاعر می‌تواند با ترکیب ارکان مختلف وزن های تازه بسازد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۰ و ۷۱)

تقی وحیدیان کامیار در پی تحقیقات گسترده و جامعی که در مورد شناخت این اوزان انجام داده است بیان می‌کند: «عروضیان قدیم چون خواجه نصیر و شمس قیس رازی ویژگیهای این اوزان را نمی‌شناخته‌اند، به همین سبب، گاه شعری که در وزن دوری بوده به طریق غلط تقطیع کرده و وزن آن را نامطبوع دانسته‌اند.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۵۷)

کامیار خصوصیت مهم و اساسی وزن دوری را اینگونه مطرح می‌سازد: «اگر چه هر وزنی را به صورت های متفاوت می توان تقطیع کرد اما، وزن دوری را نمی‌توان، به عبارت دیگر این حکم در وزن دوری که در مورد هر نیم مصراع صادق است در مورد هر مصراع صادق نیست.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۶۲)

بنابراین باید گفت بیدل دهلوی در ۹ وزن، شعر خوش آهنگ دوری سروده که ۲۶۱ مورد غزل و ۰۸/۹ درصد کل دیوان او را شامل می‌شود.
نمونه اوزان دوری:

۱- مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثنی‌ا خرب)

تا کاتب ایجادم نقش من و ما بندد چون صبح دم فرصت مسطر به هوا بندد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۴۶۵)

۲- فعلاً فاعلاتن فعلاً فاعلاتن (رمل مثنی‌ا مشکول)

به خیال زنده بودن هوس بقا ندارد چو حباب جرم مینا سرما هوا ندارد
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۴۲۸)

۳- مفعولن مفاعلن مفعولن مفاعلن (رجز مثنی‌ا مطوی مخبون)

ما و نگاه شرمگین از تک و تاز دوختن آبله سا به پای عجز چشم نیاز دوختن
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۷۸)

۴- فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن (مقتضب مثنی‌ا مقطوع)

می پرست ایجادم نشه ی ازل دارم همچو دانه ی انگور شیشه در بغل دارم
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۱: ۹۸۲)

نتیجه

با وجود آنکه بیدل در میان شاعران زبان فارسی چندان شناخته شده نیست و تحقیقات زیادی در جهت درک زوایای تفکر و اندیشه‌های والا و یا موسیقی شعر او انجام نشده است اما توانایی، هنر و چیره دستی شاعر در به کارگیری استعارات، تشبیهات و ترکیبات بدیع و تازه، بازیابی هر

چه تمامتر به منظور بیان مفاهیمی همچون معرفت، عرفان، فلسفه، حقیقت، در قالبی ساده و مفاهیمی پنهان و پیچیده، جایگاه وی را در کلیه اقالیم آسیای میانه و به خصوص کشور همسایه - هندوستان - در مرتبه و جایگاهی رفیع و معتبر همچون حافظ در ایران قرار داده است.

از آنچه پیرامون موسیقی شعر در دیوان بیدل ارائه شد، می‌توان به این نتیجه رسید که دفتر وی گنجینه‌ای زیبا از اوزان مطبوع و دلنشین و استثنایی زبان فارسی، اعم از پرکاربرد و کم کاربرد می‌باشد. استعداد و قریحه بیدل در به کارگیری اوزان رایج در شعر عرب و زحافات نادر آنان، آن هم در قالب سالم، چشمگیر می‌باشد.

شاعر توجه خاص خود را به اوزان مطبوع شعر فارسی مبذول کرده و از به کارگیری اوزان نامطبوع خود داری می‌کند، البته در مواردی شاهد طبع آزمایی شاعر در اوزان استثنایی نیز هستیم.

بانگاهی عمیق به بسامد اوزان به کار گرفته شده در دیوان، پی به وسعت تفکر و مضامین سنگین همچون حکمت، معرفت و فلسفه در اشعار بیدل می‌بریم و کاربرد اوزان بلند و سالم و ارکانی با اکثریت مصوت‌های بلند همچون فاعلاتن، مفاعیلن، مفعول و فعولن به فراوانی دیده می‌شود.

کاربرد اوزان آرام و موقرجویباری در دیوان بیدل از بسامد بالایی برخوردار است.

صنعت تکرار در سطح کلام، قافیه و حتی معنی و مضامین به وفور تظاهر دارد، هر چند زیبایی و جادوی کلام بیدل، مانع از هرگونه احساس خستگی و دلزدگی در خواننده می‌شود. وی از لحاظ کاربرد اختیارات شاعری در دیوانش دست گشوده‌ای دارد و از تمامی اختیارات وزنی و زبانی به وفور در اشعارش سود می‌برد.

تسکین در اکثریت موارد پایان بیت آمده است.

شاعر در سرودن اشعار خود به محدودیت‌های مربوط به قالب شعری غزل بسنده نمی‌کند و تعداد ابیات غزلیات وی از سه تا بیشتر از بیست بیت در نوسان است.

اوزان دوری نیز در دیوان بیدل حضوری پر رنگ دارد و شاهد اشعاری شیرین و دلنشین و شاد خیزایی با وزن‌های دوری در دفتر شعرش هستیم. اکثریت قریب به اتفاق اوزان به کار رفته در دیوان بیدل «مثنی» است که ۹۵/۳۸ درصد کل وزن‌های مورد استفاده شاعر را شامل می‌شود.

بیدل بیشترین توجه و انس را به بحر رمل داشته که بیشتر از یک سوم دیوان را در بر می‌گیرد و پس از آن هزج و مضارع در مراتب بعدی قرار دارند.

شعر بیدل و اوزان زیبای عروضی آن جان، روح و گوش خواننده تشنه‌ی معرفت و حقیقت را می‌نوازد و جا دارد تلاشهایی هر چه بیشتر در روشن کردن زوایای شعری این سخنور توانا صورت پذیرد.

منابع

- ۱- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۷۱) **دیوان بیدل دهلوی**، به تصحیح حسین آهی، چاپ سوم، تهران: فروغی.
- ۲- تجلیل، جلیل (۱۳۷۸) **عروض و قافیه**، چاپ اول، تهران: سپهر کهن.
- ۳- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۶) **شعر بی دروغ شعر بی نقاب**، تهران: جاویدان.
- ۴- زمانیان، صدرالدین (۱۳۷۴) **بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)**، چاپ اول، تهران: بنیاد جانبازان.
- ۵- شاه حسینی، ناصرالدین (۱۳۶۸) **شناخت شعر**، تهران: نشر هما.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۴) **شاعر آینه ها**، تهران: فاروس ایران.
- ۷- ----- (۱۳۷۹) **موسیقی شعر**، تهران: آگه.
- ۸- ----- (۱۳۸۵) **ادوار شعر فارسی**، تهران: سخن.
- ۹- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) **سیر غزل در شعر فارسی**، تهران: علم.
- ۱۰- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۹) **معیار الاشعار به اهتمام دکتر جلیل تجلیل**، تهران: نشر جامی.
- ۱۱- عقداپی، تورج (۱۳۷۹) **نوای شعر فارسی (عروض و قافیه)**، چاپ اول، تهران: زهد.
- ۱۲- فشارکی، محمد (۱۳۷۲) **عروض سیفی**، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۳- قیس رازی، محمد بن شمس (۱۳۶۰) **المعجم فی معایر اشعار العجم**، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران: زوآر.
- ۱۴- مددی، حسن (۱۳۸۵) **عروض و قافیه (نگاهی تازه به اوزان و ضرب آهنگ شعر فارسی)**، تهران: تیرگان.
- ۱۵- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۰) **بررسی منشاء شعر فارسی**، مشهد: آستان قدس.
- ۱۶- ----- (۱۳۷۴) **وزن و قافیه شعر فارسی**، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۱۷- ----- (۱۳۸۶) **وزن و قافیه شعر فارسی**، تهران: سمت.